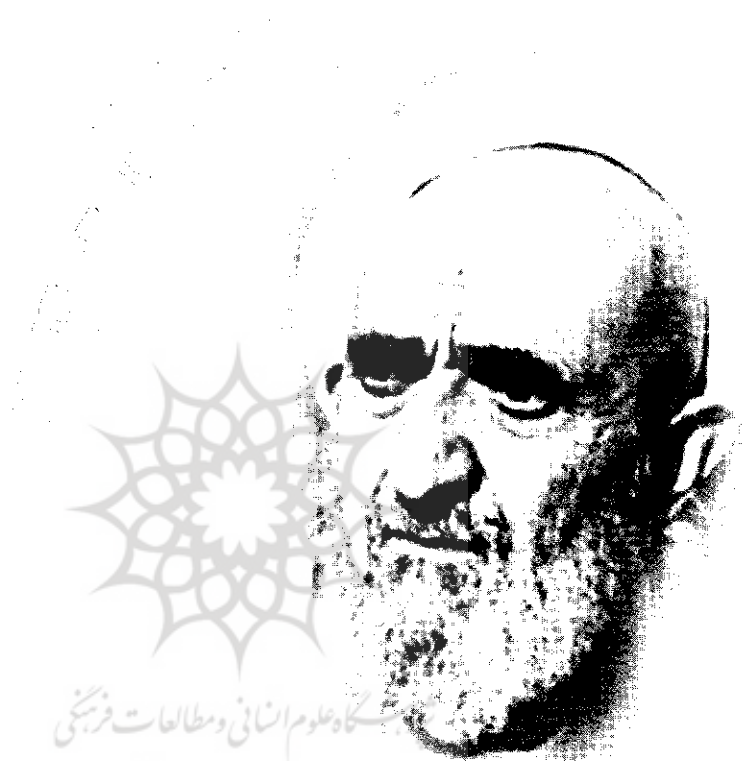


# شیخ مجتبیٰ قزوینی اعجاز قرآن از دیدگاه



سکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



در طول سده‌های گذشته عالمان و اندیشمندان اسلامی درباره‌ی مسأله‌ی تحدی و اعجاز قرآن پژوهش‌هایی ارجمند و بررسی‌هایی ارزشمند انجام داده و درباره‌ی تعیین وجه یا وجوه‌ی اعجاز قرآن دیدگاه‌های مختلفی ابراز داشته‌اند.

پرطرفدارترین نظریه‌ها در باب اعجاز قرآن آرای است که به جنبه‌های ادبی و زبانی قرآن برمی‌گردد. مسائلی مانند نظم، اسلوب، فصاحت و بلاغت<sup>۱</sup>. از این روی به نظر می‌رسد که جنبه‌های اعجاز محتوایی و معارفی قرآن، آن‌گونه که شایسته است، بررسی نشده است. پنداری جنبه‌های زبانی زیبا و شگفت قرآن، عالمان و نویسندگان مسلمان را چندان شیفته‌ی خود ساخته که از پرداختن به دیگر وجوه اعجاز بازمانده‌اند. در عین حال برخی از مفسران و متکلمان در کنار دیگر وجوه اعجاز از اشمال قرآن بر علوم و معارف به عنوان یکی از وجوه اعجاز یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup>

علامه شیخ مجتبی قزوینی خراسانی (۱۳۱۸-۱۳۸۶ ه.ق) از جمله عالمانی است که به شکلی گسترده درباره‌ی اعجاز قرآن سخن گفته است. ایشان به تبع استاد خود میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ ه.ق) بر آن است که وجه تحدی و اعجاز قرآن، معارف

● علامه شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، از جمله عالمانی است که به شکلی گسترده درباره‌ی اعجاز قرآن سخن گفته است. ایشان به تبع استاد خود میرزا مهدی اصفهانی بر آن است که وجه تحدی و اعجاز قرآن، معارف آن است. از نظر ایشان علوم و معارف قرآن دارای ویژگی‌هایی است که آن را مهم‌ترین وجه اعجاز قرآن ساخته است.

آن است. ۳ از نظر ایشان علوم و معارف قرآن دارای ویژگی‌هایی است که آن را مهم‌ترین وجه اعجاز قرآن ساخته است.

برای شروع بحث درباره‌ی اعجاز قرآن، توجه به مفاد آیات تحدی ضروری است. به یاد داریم که در آیات تحدی از همه‌ی مخالفان و معارضان قرآن خواسته شده که مثل قرآن (اسراء/ ۸۸) یا ده سوره مانند آن (هود/ ۱۳) یا سوره‌ای مانند آن (یونس/ ۳۸؛ بقره/ ۲۳) و یا حدیثی مثل قرآن (طور/ ۱۳) بیاورند. بر اساس آیات یاد شده، موضوع تحدی، آوردن «مثل قرآن» است. اکنون پرسش اساسی این است که قرآن چیست تا دانسته شود که مثل و مانند آن کدام است.

قرآن کریم به تعبیر خود از سنخ کلام و گونه‌ای سخن است. ۴ سخن دارای دو بخش است: بخش نخست شکل ظاهری کلام است که در قالب الفاظ و واژگان پدیدار می‌شود. بخش دوم، معانی و مدلول‌هایی است که در دل واژگان و عبارات کلام جای دارد. اکنون باید دید که از نظر قرآن کریم، کدام یک از دو جنبه‌ی لفظ و معنای قرآن دارای اهمیت بیشتری است و شایسته است به عنوان مهم‌ترین وجه اعجاز قرآن به شمار آید.

بی‌گمان مطمئن‌ترین راه برای شناخت حقیقت قرآن، رجوع به متن قرآن و تأمل در توصیف‌ها و تعبیرهای کتاب آسمانی درباره‌ی خود می‌باشد. از جمله توصیف‌های قرآن کریم درباره‌ی خود، تعبیر «هدی للناس» (بقره/ ۱۸۵)، «هدی للمتقین» (بقره/ ۲)، «تبیانا لكل شیء» (نحل/ ۸۹)، «فصلکنا علی علم» (اعراف/ ۵۲)، «حکیم» (یس/ ۴۲)، «حکمت» (قمر/ ۵)، «برهان» (نسا/ ۱۷۶)، «بصائر» (انعام/ ۱۰۴؛ اعراف/ ۲۰۳)، «فرقان» (بقره/ ۱۸۵)، «ذکر» (آل عمران/ ۵۸؛ حجر/ ۹)، «شفاء و رحمت» (اسرا/ ۸۲)، «نور» (مائده/ ۱۵)، قابل ذکر است. تأمل در توصیف‌ها و تعبیرهای یاد شده و دیگر اوصاف ماثور قرآن نشان می‌دهد که قریب به اتفاق این اوصاف بیانگر ویژگی‌ها و جنبه‌های مربوط به محتوا، مدلول و معنای قرآن است و نه وصف واژگان و عبارات و جنبه‌های ادبی-زبانی آیات؛ به‌دیگر سخن:

در پیشگفتار این کتاب، به بیانگر همه چیز بودن؛ حکمت آمیز بودن؛ نور و بصائر بودن و... ویژگی های علوم و معارفی است که در قالب آیات و سوره پدید آمده است. در این میان چند وصف انگشت شمار مانند قرآن و کلام، ممکن است ناظر بر جنبه های لفظی قرآن دانسته شود. اما باید توجه داشت که این گونه اوصاف به هر دو جنبه ی لفظ و معنا عنایت دارد. زیرا وصفی مانند قرآن که به معنای خواندن و خواندنی است<sup>۵</sup> به خواندن و تلاوت کردن آیات و سوری که دارای معانی مشخص مورد نظر هستند، اطلاق می شود نه تکرار الفاظ مهمل و بی معنا؛ از این روی در این گونه اوصاف نیز، جنبه های معنوی قرآن مخفول نمانده است.

بنابر آنچه یاد شد، با در کنار هم قرار دادن آیات تحدی و آیات مربوط به اوصاف حقیقت قرآن، در می یابیم که هر یک از این اوصاف و تعابیر مورد تحدی قرار گرفته است. به عبارت دیگر منظور از آوردن مثل قرآن، آوردن مانند آن از حیث هدایت گری، روشن گری، بیانگر همه چیز بودن و... است. و در سخن کوتاه، آوردن کلامی که حامل معارف هدایت گر و حکمت آمیزی همسنگ دانش های قرآن باشد.

از سوی دیگر فراگیر بودن تحدی قرآن که همه ی جن و انس، عرب و عجم در کلیه ی زمان ها و مکان ها را در بر می گیرد، نه صرفاً سخنوران عرب یا افراد عصر نزول، مستلزم آن است که بعد علمی و معنایی قرآن مورد تحدی باشد. <sup>۶</sup> چرا که برای انسان هایی که اساساً با زبان عربی آشنایی ندارند، درخواست پرداختن کلامی به شیوایی و رسایی قرآن، امر معقولی به نظر نمی رسد.

حتی می توان گفت که تأکید بر جنبه های زبانی قرآن به عنوان مهم ترین وجه اعجاز، فروکاستن از شأن قرآن و آورنده ی آن در حد انسان های سخنوری مانند امرؤ القیس است. چرا که هدف از رسالت پیامبر خاتم (ص) و نزول قرآن، عرضه ی طرحی نو در حوزه ی اندیشه و رفتار انسانی است. از این رو هموارد طلبی از حیث معارف هدایت گر با مدعی متناسب خواهد بود. <sup>۷</sup> عنایت به واکنش کفار و مشرکان در برابر دعوت پیامبر نشان می دهد که آنان افزون بر

اتهام‌هایی مانند دروغ، جنون و سحر که به آن حضرت می‌زدند و قرآن را افسانه‌های پیشینیان می‌خواندند (نحل/۲۴)، طرح اصولی مانند توحید و معاد را امری شگفت می‌پنداشتند (یس/۷۸-۷۹). این امر بیانگر آن است که آنان خود را با تعالیم و حقایق جدیدی مواجه می‌دیدند و شگفتی پیام آسمانی قرآن از حیث این معارف است. البته این حقایق در قالب متنی روشن، زیبا و دلکش پدیدار گشته است.<sup>۸</sup>

افزون بر این‌ها، برخی از آیات تحدی، یعنی آیات سوره‌ی بقره، در سور مدنی قرار دارند.<sup>۹</sup> مخالفان و معارضان قرآن در مدینه، در درجه‌ی نخست، یهودیان بودند که کتاب آسمانی و آیین خود را برتر از قرآن کریم و دین اسلام دانسته و از پذیرش اسلام تن می‌زدند. (بقره/۷۶ و ۹۹-۸۹)

این امر مقتضی است که تحدی در برابر آنان، به هدایت و معرفت قرآنی باشد. هم‌چنان که در آیه‌ی زیر که مخاطب مستقیم آن یهودیان (و همه مخالفان و معارضان قرآن هستند) به تحدی از بُعد هدایتگری تصریح شده است.

عَلَىٰ نَارٍ يُتَلَّاتُ مِنْ هَاهُنَا وَمِنْ هَاهُنَا يُسْفَرُونَ (قصص، ۴۹/۲۸)

نویسنده‌ی «بیان الفرقان» به نقل از استاد خود آورده است که «حدیث» بودن قرآن که در آیات متعدد مطرح شده و در آیه‌ی «تَلَّاتُ مِنْ هَاهُنَا وَمِنْ هَاهُنَا يُسْفَرُونَ» (طور، ۳۴/۵۲) موضوع تحدی قرار گرفته تأکید بر این نکته است که تحدی به علوم و معارفی جدید و غیر معهود است که تفاوت بنیادین با دانش‌های بشر دارد.<sup>۱۰</sup>

سخنان معصومان درباره‌ی قرآن نیز مؤید تحدی قرآن از جنبه‌ی معرفت و هدایت آن است. امیر مؤمنان (ع)، در توصیف بعثت پیامبر اکرم (ص) تأکید می‌کند که خداوند آن حضرت را با نور روشنگر، برهان آشکار و راه هویدا و کتاب هدایت‌گر برانگیخت.<sup>۱۱</sup> در سخنی دیگر آن حضرت قرآن را نوری که چراغ‌هایش خاموش نشود، چراغی که فروزندگیش کاستی نیابد و پرتوی که روشنائی‌اش تاریکی نگیرد و فرقانی که برهانش خاموشی

بی‌گمان مطمئن‌ترین راه برای شناخت حقیقت قرآن، رجوع به متن قرآن و تأمل در توصیف‌ها و تعبیرهای کتاب آسمانی درباره‌ی خود می‌باشد. از جمله توصیف‌های قرآن کریم درباره‌ی خود، تعبیر «هدی للناس»، «هدی للمتقین»، «تبیانا لكل شیء»، «فصلناه علی علم»، «حکیم»، «حکمت»، «برهان»، «بصائر»، «فرقان»، «ذکر»، «شفاء و رحمت»، و «نور»، قابل ذکر است.

● سخنان معصومان درباره‌ی قرآن نیز مؤید تحدی قرآن از جنبه‌ی معرفت و هدایت آن است. امیر مؤمنان (ع)، در توصیف بعثت پیامبر اکرم (ص) تأکید می‌کند که خداوند آن حضرت را با نور روشنگر، برهان آشکار و راه هویدا و کتاب هدایت‌گر برانگیخت.

نپذیرد، معرفی کرده است. ۱۲ در این گونه احادیث که به چند نمونه از آن اشاره شد، ۱۳ با یادآوری ماهیت علمی و هدایت‌گری قرآن، بر جاودانگی و شکست‌ناپذیری آن تأکید شده است. و البته جاودانگی، عزتمندی و شکست‌ناپذیری تنها بی‌بی‌بدیل بودن و معارضه‌ناپذیر بودن دانش و هدایت قرآن، امکان‌پذیر است. از این دسته روایات که بگذریم در حدیث زیر تصریح شده که وجه تحدی قرآن معارف حکمت‌آمیز آن است. هنگامی که ابن سبکت از امام رضا (ع) پرسید: که چرا خداوند پیامبر اکرم (ص) را با «کلام و خطب» برانگیخت؟ حضرت فرمود:

خداوند حضرت محمد (ص) را زمانی برانگیخت که بر اهل روزگار خطب و کلام چیره بود، پس آن حضرت از جانب خدا «موعظ و حکمت‌هایی» آورد که سخن ایشان را باطل ساخت و بدین وسیله حجت را بر ایشان تمام گرداند. ۱۴

در حدیث یاد شده بر این نکته تأکید شده که به رغم آن که در زمان بعثت پیامبر مقولات ادبی و زبانی مانند اقسام خطبه و شعر رایج بود، پیامبر پندها و حکمت‌هایی از جانب خداوند آورد. و این به آن معناست که ماهیت قرآن و در نتیجه وجه تحدی و اعجاز آن از سنخ حکمت است نه کلام و خطبه. ۱۵

انکون جای پرسش است که دانش و معرفت قرآن از چه ویژگی‌هایی برخوردار است که آن را مهم‌ترین وجه تحدی آن ساخته است؟

از نظر شیخ مجتبی قزوینی، علوم و معارف قرآن دارای ویژگی‌ها یا جهات کمالی ده‌گانه‌ی زیر است که آوردن مثل آن با ویژگی‌های یاد شده در توان هیچ‌کس نیست. این اوصاف و ویژگی‌ها عبارتند از: ۱. اُمّی بودن پیامبر اکرم (ص). ۲. جامعیت علوم قرآن که از نظر تنزیل، نسخه‌ی جمعی و اجمالی عوالم تکوین، و از جنبه‌ی تأویل و تفسیر، نسخه‌ی مبسوط و تفصیلی عوالم تکوین از ازل تا ابد است. ۳. دارا بودن علم و قوانین تشریح. ۴. همه‌گونه خواننده‌ی قرآن اعم از مؤمن یا کافر، غنی یا فقیر، متکبر یا متواضع در خواندن قرآن متوجه می‌شود که مشمول بخشی از خطاب‌های الهی مانند سرزنش یا نوازش، دل‌داری

یا هشدار، مهر یا قهر و بشارت یا انذار است. ۵. اشتغال قرآن بر علم غیب در اخبار به امور تکوینی و تشریحی عالم و افعال و حالات بشر گذشته و آینده. ۶. به حکم له دعوة الحق (رعد/۱۴)، تمام مقصد و مقصود دعوت قرآن به سوی حق متعال است. ۷. جامعیت بیانی آیات، که یک آیه در عین این که مثلاً در مقام بیان حال پیامبران و چگونگی دعوت آنها است، در عین حال اندرز و هشدار بوده و بیانگر خصوصیات اخلاقی و رفتاری انسان و در همین حال که مشتمل بر بیان عالم تکوین است، مشتمل بر بیان عالم تشریح بوده و در همان حال شامل پاره‌ای از اخبار غیب است. و آن‌سان که گویای حال خواننده و گوینده است، همان‌سان مایه‌ی تربیت و هدایت انسان است. ۸. ویژگی هشتم آن که برخی از سور و آیات، اجمال یا تفصیل و شرح آیات و سور دیگر با اختلاف تعبیر است، مثلاً آن چه در قرآن است در سوره یس آمده است. ۹. علوم و معارف گوناگون قرآن به زبان عربی آشکار و با فصاحت (روشنی) و بلاغت نازل شده است. ۱۰. علوم و معارف قرآن بدور از اختلاف و تناقض است. ۱۶.

به نظر می‌رسد که برخی از ویژگی‌های معارف قرآن در کلام شیخ مجتبی قزوینی مانند مورد نهم ناظر به جنبه‌های بیانی معارف قرآن است تا جنبه‌های محتوایی، در عین حال نقطه‌ی اختلاف آن با دیدگاه رایج که فصاحت و بلاغت را وجه اعجاز قرآن می‌شمارد، آن است که در اینجا محتوا و معارف قرآن اصل قرار گرفته و فصاحت و بلاغت جنبه‌ی فرعی پیدا کرده است.

در حقیقت از نظر شیخ مجتبی قزوینی، نخستین و مهم‌ترین ویژگی معارف قرآن، ابتدای آن بر دو عنصر عقل و فطرت است. بن مایه‌ی آموزه‌ها، حقایق و مفاهیم اعتقادی، و اخلاق قرآن، عقلی و فطری است. ماهیت عقلی و فطری این تعالیم، از یک سو آن‌ها را همیشگی و همه‌جایی ساخته و از سوی دیگر شیوه‌ی خاصی را در عرضه و آموزش و در نتیجه پذیرش آنها موجب گشته است.

شیوه‌ی قرآن در تبیین معارف و مفاهیم خود، تکیه بر خرد عام انسانی، از طریق استدلال عقلی و بیدار کردن فطرت آدمی از راه استدکار فطری است. توصیف قرآن به ذکر (آل عمران/۵۸؛ حجر/۹) ذکر (ق/۸) و تذکرة (طه/۳؛ مدثر/۵۴) و تأکید بر شأن یادآور بودن پیامبر (غاشیه/۲۱) اشاره به همین نکته است. به یاد داریم که امیر مؤمنان (ع) نیز در تبیین رسالت پیامبر بر انگیختن گنجینه‌های پنهان عقول و بازیابی و یادآوری معرفت فراموش شده را از شؤن پیامبران دانسته‌اند. ۱۷.

● در حقیقت تفاوت بنیادین و معجزه گر معارف الهی قرآن با رهاوردها و یافته های علمی بشری از همین جا بر می خیزد. و درست به سبب همین عقلی و فطری بودن تعالیم است که قرآن کریم در دعوت به سوی اهداف خود، قاطعیت و صراحت داشته و از رویگردانی مخالفان و کافران، ابراز شگفتی می نماید. (قمر/۲) و قرآن را نشانه و آیتی بسنده می داند. (عنکبوت/۵۱)

در حقیقت تفاوت بنیادین و معجزه گر معارف الهی قرآن با رهاوردها و یافته های علمی بشری از همین جا بر می خیزد. و درست به سبب همین عقلی و فطری بودن تعالیم است که قرآن کریم در دعوت به سوی اهداف خود، قاطعیت و صراحت داشته و از رویگردانی مخالفان و کافران، ابراز شگفتی می نماید. (قمر/۲) و قرآن را نشانه و آیتی بسنده می داند. (عنکبوت/۵۱)

از اوصاف برجسته ی قرآن آیه و نشانه ی خدا بودن آن است. (بقره/۹۹ و ۲۵۲؛ آل عمران/۱۰۰ و ۱۰۸؛ رعد/۱). در احادیث نیز از تجلی خدا در قرآن سخن رفته است. ۱۷ آنچه درباره ی معارف عقلی و فطری قرآن گفته شد، در تبیین مفهوم «آیه» و «تجلی» نیز مدد می رساند. بدین سان که تجلی خدا در قرآن تجلی به آیات و نشانه هاست. ۱۹ و آیه بودن قرآن نیز بدان معناست که از یک سو بیانگر آیات تشریحی (آموزه ها و احکام دینی) و از سوی دیگر یادآور آیات تکوینی خداست. ۲۰

بر بنیاد معارف دینی، معرفت خدا، صنع خدا و موهبتی الهی است که در نهاد همه ی انسان ها به ودیعه گذاشته شده است. مطالعه در آیات خدا یکی از اسباب تذکر به معرفت فطری است. و قرآن کریم که شگفت ترین آیه و با شکوه ترین جلوه گاه خدا است، بزرگترین یادآور معرفت فطری است. و شاید وجه تعبیر از قرآن به آیه و بیّنه به جای معجزه در متون دینی برای نشان دادن این حقیقت است که خداوند حکیم آدمی را حامل و واجد معرفت خود ساخته، آنگاه موجوداتی را آیات خود قرار داده تا انسان ها با مطالعه این نشانگان به آفریدگار آیات متذکر شوند. پس از آنجا که رابطه میان آیه و صاحب آیه (ذو الایه) رابطه ای قراردادی است، بدون معرفت پیشین به ذو الایه، نمی توان از نشانه به صاحب نشانه پی برد. به دیگر سخن معرفت آیه فرع بر شناخت فطری و قبلی توحید است. راستی را برای کسی که اساسا با امر توقف آشنا نیست، چراغ قرمز چگونه می تواند علامت ایستادن باشد؟ ۲۱



جامعیت و کمال قرآن نیز بدان معنا است که قرآن مجید تمامی مواد و مصالح علمی رسیدن انسان به فلاح و سعادت فردی و اجتماعی را داراست. قرآن با گستره‌ی عظیم معارف خود راهکارهای روابط انسان در چهار حوزه‌ی رابطه‌ی انسان با خدا، با خود، با انسان‌های دیگر و با جهان را تبیین کرده است.

معصومان در احادیث متعدد<sup>۲۲</sup> و مفسران در ذیل آیاتی مانند ما فرطنا فی الكتاب من شیء (انعام، ۶/۳۸) و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء (نحل، ۱۶/۸۹) به جامعیت و کمال قرآن تصریح کرده‌اند.<sup>۲۳</sup>

دیگر ویژگی معارف قرآن، حقانیت، درستی و واقع‌نمایی آموزه‌های آن است. این نکته مفاد آیاتی مانند: ذلک الكتاب لاریب فیه (بقره/۲) و اِنَّه لَکتاب عزیز لایاتیة الباطل من بین یدیة و لا من خلفه (فصلت، ۴۱/۴۱-۴۲) است که مفسران و دانشمندان اسلامی نیز بدان تصریح کرده‌اند.<sup>۲۴</sup>

از اوصاف قرآن حکمت و حکیم است. (قمر/۴۵؛ یس/۲۰) حکمت از نظر واژه‌شناسی به معنای استواری، اتقان و منع از فساد و جهل است.<sup>۲۵</sup> بر این اساس حکمت قرآن، آموزه‌های راستین و مطابق واقع است که از سویی دچار نقض نمی‌شود، و هیچ کژی در آن راه نمی‌یابد، و از سوی دیگر با روشنگری خود، انسان را در عرصه‌ی عمل از فساد و تباهی بازمی‌دارد و در حوزه‌ی علم و اعتقاد مانع نادانی وی می‌گردد.

امین الاسلام طبرسی درباره‌ی معنای حکیم در آیه‌ی و اِنَّه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم (زخرف، ۴۳/۴)، گفته است که حکیم یعنی مظهر حکمت بالغه، و گفته شده که قرآن حکیم است یعنی بر هر حق و صواب دلالت دارد. به منزله انسان حکیم که جز به حق سخن نمی‌گوید.<sup>۲۶</sup>

افزون بر همه‌ی اینها تعالیم و حقایق قرآن دارای سطوح و لایه‌های معنایی متکثر است که اندیشمندان و خردورزان هر چه در آنها بیندیشند و کاوش کنند به تمامی مراتب معارف آن نمی‌رسند. در احادیث از ظهر و بطن قرآن سخن به میان آمده<sup>۲۸</sup> و بر بی‌پایان بودن شگفتی‌های علمی قرآن تأکید شده است.<sup>۲۹</sup> در حقیقت همگانی بودن و جاودانگی قرآن، مقتضی است که برای همه‌ی انسان‌ها در هر سطح فکری و عقلانی، هدایتگری و معرفت‌زایی داشته باشد. از این روست که قرآن کریم در عین حال که خود را مایه‌ی هدایت همه مردم می‌خواند (بقره/۱۸۵؛ آل عمران/۱۳۸)، فهم پاره‌ای از آموزه‌های خود را ویژه‌ی دانشمندان و خردمندان می‌داند (عنکبوت/۴۳؛ رعد/۱۹؛ غافر/۵۴).

به نظر می‌رسد اندیشه اعجاز معارفی به شکلی که از سوی مرحوم میرزا مهدی اصفهانی مطرح شده و در آرا و آثار شاگردان ایشان - به ویژه مرحوم شیخ مجتبی قزوینی - بازتاب یافته، از نظریه‌های ارزشمند در باب اعجاز قرآن است که در خور مطالعه و بررسی بیشتر است.

۱. علامه حلی، کشف المراد/ ۴۸۴ - ۴۸۵؛ تفتازانی، شرح المقاصد، ۵/۵؛ جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، نوع ۶۴ بحث اعجاز القرآن.
۲. برای نمونه، ر. ک، ابن میثم بحرانی، قواعد المرام/ ۱۳۲ و ۱۳۳؛ علامه مجلسی، عین الیقین، ۱/ ۴۸۶؛ محمد جواد بلاغی، آلاء الرحمن/ ۱۱-۱۶؛ ماوردی، التکت و العیون، ۱/ ۳۲؛ ابن جزی، التسهیل لعلوم التنزیل/ ۸۸۱.
۳. شیخ مجتبی قزوینی، بیان الفرقان، ۲/ ۳۰۸.
۴. شیخ صدوق، التوحید/ ۲۲۴.
۵. ابن منظور، لسان العرب، ۱/ ۱۲۸.
۶. بیان الفرقان، ۲/ ۱۲۴.
۷. همان/ ۱۹۷.
۸. محمد باقر ملکی میانجی، نگاهی به علوم قرآنی/ ۱۷۷ و ۱۸۶.
۹. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ۱/ ۷۴ و ۱۰/ ۲۱۱؛ وهبه زحلی، التفسیر المنیر، ۱/ ۶۸.
۱۰. بیان الفرقان/ ۱۹۹ و ۲۰۰.
۱۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۶.
۱۲. همان، خطبه‌ی ۱۹۸ و خطبه‌ی ۱۳۳.
۱۳. ر. ک: محمد رضا حکیمی و همکاران، الحیة، ۲/ ۶۹؛ محمد باقر موحّد ابطنی، جامع الآثار و الاخبار، ۱/ ۱۲۶؛ به بعد.
۱۴. کلینی، کافی، ۱/ ۲۴، ح ۲۰؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ۱/ ۱۲۲، ح ۶.
۱۵. نگاهی به علوم قرآنی/ ۱۹۱.
۱۶. همان/ ۲۰۸-۲۱۶.
۱۷. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱.
۱۸. همان، خطبه‌ی ۱۴۷؛ شیخ بهایی، مشرق الشمسین/ ۴۰۴؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن/ ۴۵۲.
۱۹. حسنعلی مروراید، تنبیهات حول المبدأ و المعاد/ ۹۱ و ۹۲.
۲۰. ر. ک: علی اکبر رشاد و همکاران، دانشنامه‌ی امام علی (ع)، ۱/ ۱۶۶ و ۱۶۷.
۲۱. برای مطالعه در این زمینه ر. ک: بیان الفرقان/ ۴؛ توحید الامامیه/ ۹.
۲۲. کافی، ۱/ ۵۹؛ به بعد؛ فیض کاشانی، الصافی، ۱/ ۵۶؛ به بعد.
۲۳. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۶/ ۴۱۸، الصافی، ۲/ ۱۱۸؛ احکام القرآن، ۲/ ۲۴۶؛ ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ۴/ ۳۵۲.
۲۴. طبرسی، مجمع البیان، ۱/ ۸۲ و ۲/ ۲۷؛ بیضاوی، تفسیر بیضاوی، ۱/ ۲۴ و ۲۵.
۲۵. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۲/ ۹۱؛ جوهری، الصحاح، ۵/ ۱۹۰۲.
۲۶. مجمع البیان، ۹/ ۶۷.
۲۷. کافی، ۲/ ۵۹۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ۹۲/ ۷۸؛ به بعد.
۲۸. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۸.